

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: رمزی بارود*
برگردان: علی اورنگ
ویراستاری و ارسال: علی مشرف
۲۸ اکتوبر ۲۰۲۳

مناقشه اعراب و اسرائیل چگونه به جنگ اسرائیل فقط علیه حماس تغییر کرد



رئیس ستاد ارتش اسرائیل اسحاق رابین، راست، در ورودیه شهر قدیم بیت المقدس (اورشلیم) در طی جنگ شش

روزه، با موشه دایان و عوزی نارکیس، چپ، ۷ جون ۱۹۶۷

“مناقشه اعراب و اسرائیل” در طول سالیان متمادی، تغییر نام داده شده است. حالا رسانه ها به ما می گویند که “مناقشه حماس و اسرائیل” است. وقتی که “مناقشه” اسرائیل فقط با فلسطین باشد، اسرائیل زمینه و حوزه آن به اصطلاح کشمکش را تعیین می کند، چه صحبت هائی باید بر سر “میز مذاکرات” صورت بگیرد، و چه صحبت هائی باید حذف شود. پیمان اسلو دقیقاً به این شکل حقوق فلسطین را زیر پا گذاشت. اما وقتی که مناقشه فقط تبدیل به مناقشه بین اسرائیل و حماس شود، این وضعیت را حتی خطرناک تر می کند

یک زمانی، “مناقشه اعراب و اسرائیل” مناقشه ای بین اعراب و اسرائیل بود. اما، در طول سالیان متمادی، تغییر نام داده شده است. حالا رسانه ها به ما می گویند که “مناقشه حماس و اسرائیل” است. اما چرا این اتفاق افتاد؟ بسادگی می توان گفت که اسرائیل بسیار قدرتمند شد.

ظاهراً پیروزی های حیرت آور اسرائیل علیه ارتش های عربی در طول سال ها به قدری اسرائیل را جسور کرده است که به این باور برسد که خود را نه تنها یک ابرقدرت منطقه ئی بلکه قدرت جهانی ببیند. اسرائیل طبق تعریف خودش شکست ناپذیر شده است.

چنین واژه ای فقط تاکتیکی برای ترساندن با هدف شکستن روحیه فلسطینی ها و اعراب نبود. اسرائیل به این موضوع معتقد بود.

«پیروزی معجزه آسای اسرائیل» علیه ارتش های عربی در سال ۱۹۶۷ یک نقطه عطف بود. وزیر امور خارجه وقت اسرائیل، آبا ابان در یک سخنرانی در سازمان ملل متحد اظهار کرد که «از تریبون سازمان ملل، من پیروزی باشکوه نیروهای دفاعی اسرائیل و آزادسازی بیت المقدس (اورشلیم) را اعلام می کنم.» در تصور او این فقط یک معنی داشت: «پیش از این اسرائیل هرگز تا به این درجه از حرمت و احترام در نزد ملل جهان نائل نیامده بود.»

چنین احساساتی در کلمات ابان در بین مردم اسرائیل هم طنین انداخته بود. حتی آنهایی که به توانائی دولت بر چیره شدن بر اعراب تردید داشتند همگی به تحسین کنندگان از اسرائیل پیوستند: اسرائیل شکست ناپذیر است. در آن زمان در مورد دلایل واقعی پیروزی اسرائیل و این که آیا آن پیروزی بدون حمایت همه جانبه واشنگتن و اشتیاق غرب به حمایت از اسرائیل به هر قیمتی امکان پذیر بود یا نه بحث زیادی نشد.



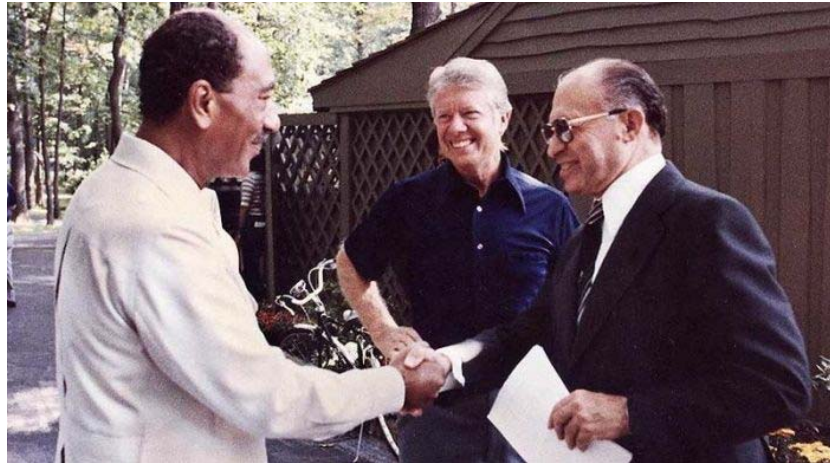
وزیر امور خارجه اسرائیل آبا ابان در سخنرانی مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۹ جون ۱۹۶۷

اسرائیل هرگز یک برنده برازنده ای نبود. وقتی که وسعت قلمرو هائی را که کشور کوچک پیروزمند کنترل می کرد سه برابر شد، اسرائیل تحکیم اشغال نظامی اش را روی آنچه که از سرزمین تاریخی فلسطین باقی مانده بود، شروع کرد. حتی ساختن شهرک ها را در سرزمین های عربی (یعنی سینا، ارتفاعات جولان، و جاهای دیگر) که جدیداً اشغال کرده بود، شروع کرد.

پنجاه سال پیش، در اکتوبر ۱۹۷۳، ارتش های عربی تلاش کردند که دستاوردهای عظیم اسرائیل را با حمله ای غافلگیرانه معکوس کنند. در ابتداء آنها موفق شدند، ولی وقتی که امریکا سریعاً اقدام به تقویت سیستم های دفاعی و اطلاعاتی اسرائیل کرد، شکست خوردند.

این جنگ نه یک پیروزی کامل برای اعراب بود و نه یک شکست همه جانبه برای اسرائیل. دومی شدیداً از آن آسیب دید. اما تل ابیب به این باور باقی ماند که روابط بنیانی که با اعراب در سال ۱۹۶۷ ایجاد کرده بود تغییر نیافت.

و با گذر زمان، “مناقشه” کمتر عرب – اسرائیلی و بیشتر فلسطین – اسرائیلی شد. دیگر کشورهای عربی، مثل لبنان، بهای سنگینی برای تکه تکه شدن جبهه اعراب پرداختند. این تغییر ادراکی به این معنا بود که اسرائیل توانست در مارچ ۱۹۷۸ به جنوب لبنان حمله کرده و سپس پیمان کمپ دیوید را شش ماه بعد امضاء کند.



رئیس جمهور مصر انور سادات، رئیس جمهور امریکا جیمی کارتر و نخست وزیر اسرائیل مناخیم بگین در کمپ

دیوید در سپتمبر ۱۹۷۸

در حالی که اشغال فلسطین به وسیله اسرائیل خشن تر شد، همراه با یک اشتهای سیرنشده برای زمین بیشتر، غرب مبارزه فلسطین را برای آزادی تبدیل به “مناقشه” ای کرد که با کلمات و گفتار باید مدیریت می شد، ولی نه با اعمال و کردار.

بسیاری از روشنفکران فلسطینی استدلال کرده اند که “این یک مناقشه نیست” و اشغال نظامی یک مشاجره سیاسی نیست بلکه تابعی از قوانین و خطوط بین المللی است که به وضوح تعریف شده است. و باید مطابق با عدالت بین المللی حل شود.

البته هنوز این اتفاق نیفتاده است. نه عدالتی برقرار شده است و نه یک وجب از سرزمین فلسطین پس گرفته شده است : علی رغم مذاکرات بی شمار، قطعنامه ها، بیانیه ها، تحقیقات، توصیه ها، و گزارشات ویژه. بدون اجرای واقعی قوانین بین المللی، آنها فقط جوهر روی کاغذ هستند.

اما آیا مردم عرب منطقه، فلسطین را رها کرده اند؟ با توجه به خشم، غم و اندوه، و سرودهای پرشور از جانب سیل بی پایان مردمی که به سراسر خیابان های خاورمیانه ریخته اند تا علیه نابود کردن غزه به وسیله ارتش اسرائیل اعتراض کنند، این احساس را نمی دهد که مردم منطقه در این تصور باشند که فلسطین تنهاست – یا، حداقل، این که فلسطین را در مبارزه اش باید تنها گذاشت.

انزوای فاجعه بار

انزوای فلسطین از زمینه و شرایط منطقه ئی اش فاجعه بار بوده است.

وقتی که “مناقشه” اسرائیل فقط با فلسطین باشد، اسرائیل زمینه و حوزه آن به اصطلاح کشمکش را تعیین می کند، چه صحبت هائی باید بر سر “میز مذاکرات” صورت بگیرد، و چه صحبت هائی باید حذف شود. پیمان اسلو دقیقاً به این شکل حقوق فلسطین را زیر پا گذاشت.

اسرائیل هرچه بیشتر در به انزوا کشیدن فلسطین از محیط خود موفق تر باشد، در تفرقه افکنی مابین فلسطینی ها موفق تر خواهد بود.

اما وقتی که مناقشه فقط تبدیل به مناقشه بین اسرائیل و حماس شود، این وضعیت را حتی خطرناک تر می کند. نتیجه آن روایتی کاملاً متفاوت است که روی درک فوری آنچه که در حال وقوع در غزه و در حال حاضر در کل فلسطین است، تحمیل می شود.

در روایت اسرائیل از رویدادهای اخیر، جنگ در ۷ اکتوبر شروع شد، وقتی که رزمندگان حماس به پایگاه های نظامی اسرائیل، شهر نشین ها، و شهرک های جنوب اسرائیل حمله کردند.

هیچ تاریخ یا رویدادی قبل از حمله حماس به نظر نمی رسد که برای اسرائیل اهمیتی داشته باشد، غرب و رسانه های شرکتی جنگ را با توجه همه جانبه به وضعیت اسرائیلی ها و بی اعتنائی کامل به جهنم غزه گزارش می دهند.

به هیچ روایت دیگری اجازه داده نمی شود که به روایت کامل اسرائیل در مورد فلسطینی های شبیه به داعش لطمه زده و مزاحم صلح و آرامش اسرائیل و مردمش بشود.

به صدای مردم فلسطین که اصرار دارند که جنگ غزه در زمینه های مناسب تاریخی آن بحث شود، پلنترمی داده نمی شود: یعنی پاکسازی قومی فلسطین در سال ۱۹۴۸، اشغال بیت المقدس، کرانه باختری رود اردن، و غزه در سال ۱۹۶۷، و همه جنگ های خونین قبل و بعد.

رسانه های طرفدار اسرائیل بسادگی نمی خواهند که این را بپذیرند. حتی اگر اسرائیل ادعاهای بی پایه در مورد بریدن سر نوزادان را نکرده بود، رسانه ها به هر حال به روایت اسرائیل پایبند می ماندند.

با این حال، فرض کنید که اسرائیل به توصیف روایت های جنگ، زمینه های تاریخی “مناقشه”، و گفتمان های سیاسی که دیدگاه غرب را در مورد فلسطین و خاورمیانه شکل می دهد، ادامه دهد. در این صورت، به گرفتن کارت سفید (آزادی عمل کامل از حامیانش) ادامه خواهد داد تا به تعهد خود به اشغال نظامی فلسطین هم ادامه دهد.

در نتیجه، این مناقشات بیشتر، جنگ های بیشتر، و فریبکاری بیشتر را در رابطه با ریشه های خشونت تقویت خواهد کرد.

برای این که این دور باطل متوقف شود، فلسطین باید، یک بار دیگر، تبدیل به موضوعی شود که موضوع همه اعراب و کل منطقه است. با روایت اسرائیل باید مقابله کرد، با جانبداری یکطرفه غرب باید برخورد شود، و یک ستراتیژی جدید مشترک باید به وجود بیاید.

به عبارت دیگر، فلسطین دیگر نباید تنها گذاشته شود.

منبع: <https://consortiumnews.com/2023/10/20/israels-war-is-not-just-against-hamas/>

*- رمزی بارود روزنامه نگار، نویسنده و سردبیر رویداد نامه فلسطین (Palestinian Chronicle) است. او نویسنده شش کتاب است. آخرین کتاب او، ویرایش مشترک با ایلام پایه است تحت عنوان، چشم انداز ما برای آزادی: رهبران متعهد فلسطین و روشنفکران صحبت می کنند. کتاب های دیگر او شامل پدر من یک مبارز آزادی بود و آخرین زمین است.